

تأملی بر اوضاع مسلمانان در چین

مسلمانان چین و فریادی که باید آن را شنید

یعقوب شه‌بخش

کشور باستانی چین دارای کهن‌ترین تمدن بشری بوده و پیشینه فرهنگی آن به هزاران سال قبل از میلاد مسیح بازمی‌گردد. نظام اجتماعی آن ۳۵۰۰ سال پیش تثبیت گردیده و اینک آثار باستانی به‌دست آمده در آن، آغاز تاریخ این کشور را در حدود ۱۳۰۰ سال پیش از میلاد، نشان می‌دهد. جمعیت این کشور که پهنه وسیعی از آسیای مرکزی و خاوری را به‌خود اختصاص داده و پرجمعیت‌ترین کشور جهان محسوب می‌شود، از ۵۶ ملیت رسمی مانند هان، ژوانگ، هوئی، منچو، میائو، اوغور، یی، توجیا، تبتی، پوئی، تونگ، یائو، کره‌ای، قزاق و غیره شکل گرفته است.^(۱) این کشور هم‌چنین دارای ۲۳ استان، پنج ناحیه خودمختار و سه شهرداری (پکن، تیان‌جین، شانگهای) - که زیر نظر حکومت مرکزی فعالیت دارند - است.^(۲)

در حال حاضر پیروان دین اسلام در چین، سومین اقلیت دینی این کشور به‌حساب می‌آیند.^(۳) در پکن، پایتخت کشور چین، جمعیت مسلمانان کمتر از ۳ درصد از جمعیت ۱۲ میلیونی این شهر را تشکیل می‌دهد. و اما آمار مسلمانان چین که اغلب در سه استان «ترکستان شرقی» (سین‌کیانگ)، «گانسو» و «نینگ‌شیا» ساکن هستند، به‌طور دقیق مشخص نیست؛ زیرا هیچ سرشماری قابل اطمینانی تاکنون در این زمینه صورت نگرفته است. آمارهایی که بر پایه تحقیقات میدانی و سرشماری‌های غیررسمی استوار است، از ده تا هشتاد میلیون نفر، بسته به وابستگی‌های فرقه‌ای - مذهبی با ملاحظات سیاسی و این‌که واژه «مسلمان چینی» به چه کسانی به‌طور مشخص اطلاق می‌شود، در نوسان است. با این‌همه، رقمی که به‌طور متوسط از جمعیت مسلمانان چین ارائه می‌شود، قریب به پنجاه میلیون نفر است.^(۴) مسلمانان چین از نظر قومی و نژادی بسیار متنوع بوده و در گروه‌هایی همچون ترک، مغول، فارس و چینی قابل تقسیم هستند.^(۵)



می‌رود؛ چرا که در این دوران دین اسلام به‌شکل گسترده‌ای وارد چین شد، در آنجا استقرار یافت و دوران شکوفایی خود را آغاز کرد.

سین کیانگ؛ پنجره‌ای

به سرزمین افسانه‌ای چین

سین کیانگ نام رسمی استانی مسلمان‌نشین در شمال غرب کشور چین است که با مساحتی بالغ بر ۱/۶۶۴/۹۰۰ کیلومتر مربع و جمعیتی بیش از ۲۰ میلیون نفر، عنوان پهناورترین استان این کشور را به خود



مسجد سونگ جیانگ

اختصاص داده است. شهر «ارومچی» با مساحتی بالغ بر ۳۲۷۹ کیلومتر مربع، مرکز این استان است و نیز شهر تاریخی «کاشغر» که در مسیر جاده کهن ابریشم قرار دارد، از شهرهای مهم و استراتژیک این استان به‌حساب می‌آید.

این استان مرزی که اکثریت ساکنان آن را مسلمانان ترک‌تبار از قبایل «اویغور» تشکیل می‌دهند، یکی از حساس‌ترین مناطق کشور چین نیز به‌شمار می‌رود.

سین کیانگ در طول تاریخ حکومت‌های مستقل زیادی را به خود دیده و به‌نوعی رشته اتصال چین با دنیای اسلام بوده است. عنوان قدیمی‌تر این استان - که هنوز هم اویغورهای ساکن در آن ترجیح می‌دهند محل سکونت خود را با آن عنوان بخوانند - «ترکستان شرقی» است. این عنوان در سال ۱۸۸۴ میلادی، در دوره امپراتوری «منچو»، به‌دنبال تسخیر این منطقه توسط

سلسله «یوان»، آغازی بر

گسترش وسیع اسلام در چین

و اما مرحله گسترش دین مبین اسلام در چین از اواخر قرن دوازدهم میلادی با ظهور قوم مغول در بخش‌های شمالی این سرزمین پهناور آغاز شد. مغول‌ها که تا آن زمان در انزوای مطلق به‌سر برده بودند، به فرماندهی چنگیزخان موفق شدند در مدت زمان بسیار کوتاهی فلات «پامیر» را درنوردیده، شهرهای کاشغر، خجند، بخارا و سمرقند را فتح کنند و بدین ترتیب گستره مرزهای خود را تا سواحل دریای خزر وسعت بخشند. آنها مدتی بعد سواحل شمالی دریای سیاه را نیز به تسخیر خود درآوردند.

چنگیزخان در سال ۱۲۲۷ میلادی، درحالی‌که دامنه تصرفاتش از سواحل اقیانوس آرام تا رود «دنیپر» واقع در کشور اوکراین فعلی [در اروپا گسترش یافته بود، درگذشت. چند سال پس از درگذشت چنگیزخان درحالی‌که دایره تصرفات مغول‌ها بخش‌های شرقی اروپا را نیز دربرگرفته بود، «قوبیلای قان»، نوه چنگیزخان، امپراتوری «یوان» را بنیان نهاد و پکن را پایتخت آن قرار داد.

پس از آن، بازرگانان عرب و ایرانی در کنار اقوام مختلف مسلمان در آسیای مرکزی، که آغاز امپراتوری یوان را سرفصل نوینی در تحولات چین می‌دانستند، به‌طور گسترده‌ای راهی این سرزمین شدند و بدین‌شکل ورود دین اسلام با مقیاسی وسیع، به چین آغاز شد و عصر طلایی آن در این کشور فرارسید.

در این دوره برخلاف دوران سلسله‌های «تانگ» و «سونگ»، به اسلام به‌عنوان یک دین خارجی نگریسته نمی‌شد و دین اسلام همانند سایر ادیان و آیین‌های موجود از جمله بودیسم، دائوئیسم و مسیحیت از احترام دولت‌مردان برخوردار بود. علمای دین اسلام «دانشین» (دانشمند) نامیده می‌شدند و مانند علمای سایر ادیان از حمایت‌های رسمی و موقعیت ویژه‌ای برخوردار بودند.^(۸)

به‌هرحال باید گفت عصر مغول‌ها، نقطه عطفی در تاریخ اسلام در چین به‌شمار

جستاری بر زمان ورود اسلام به چین

به‌راستی دین مبین اسلام در کدام دوره از تاریخ پرفرازونشیب چین باستان، وارد این سرزمین اساطیری شده است؟ پرداختن به پاسخ این سؤال، از جمله بخش‌های کلیدی این نوشتار محسوب می‌شود، اما باید یادآور شد که براساس نوشته «فنگ جین یوان»، محقق برجسته مؤسسه مطالعات قومیت‌ها در منطقه خودمختار «نینگ‌شیا»ی چین، تعیین تاریخ دقیق ورود اسلام به این سرزمین، کاری مشکل و حتی غیرممکن است؛ این موضوع را فقط می‌توان به‌طور تقریبی و از طریق مقایسه تاریخی در دوره‌ای از زمان مشخص نمود.

بالین‌همه، آنچه از اظهارنظرهایی که بر اساس اسناد و مدارک کهن چینی مطرح شده‌اند، به‌دست می‌آید، بر این نکته صحه می‌گذارد که می‌توان دومین سال امپراتوری یونگ‌وی را - که مقارن با اعزام [حضرت] سعد بن ابی‌وقاص [رضی‌الله‌عنه] در رأس هیئتی از سوی [حضرت] عثمان [رضی‌الله‌عنه]، سومین خلیفه مسلمان، به چین است - سرآغاز انتشار دین مبین اسلام در چین دانست.^(۶)

در این‌باره «فنگ جین یوان» در بخشی از کتاب «فرهنگ اسلامی و ایرانی در چین» می‌نویسد: روابط دوستانه سیاسی میان مردم خاورمیانه و چین بر شالوده مبادلات بازرگانی مستمر استوار گردید تا این‌که در بیست‌وپنجمین روز از هشتمین ماه دومین سال امپراتوری یونگ‌وی، سفیر عثمان [رضی‌الله‌عنه]، سومین خلیفه مسلمان، به شهر «چانگ» رسید و به حضور امپراتور که به‌تازگی یک سال از جلوسش بر تخت می‌گذشت، بار یافت و اوضاع کلی کشورهای خاورمیانه و جهان‌نگری اساسی دین اسلام را تشریح کرد؛ از این زمان دوستی چین و کشورهای اسلامی روزبه‌روز گسترش یافت. بدین‌ترتیب مبادلات صمیمانه اقتصادی - بازرگانی، و سیاست خارجی دوستانه و صلح‌آمیز، باعث مهاجرت عده زیادی از مسلمانان به چین گردید و فصل تازه‌ای در مناسبات دوستانه چین و کشورهای غربی گشوده شد.^(۷)

چینی‌ها، به سین کیانگ که در زبان چینی به معنای «سرزمین نو» است، تغییر یافت. و اما ترویج دین اسلام در سین کیانگ به اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم میلادی، دوران حکومت قراخانیان بازمی‌گردد؛ دین اسلام ابتدا به وسیله قراخانیان وارد کاشغر شد و بعد به یارغند و ختن رسید. این وضعیت از قرن دوازدهم میلادی که سلسله «لیائو»ی غربی بنیان نهاده شد، تا قرن سیزدهم میلادی که دوران فرمانروایی آن به پایان رسید، ادامه داشت. در این دوران نفوذ دین اسلام از غرب منطقه به سوی شرق آن گسترش یافت و از کاشغر و ختن به «آق سو» و «کوچار» رسید. در قرن سیزدهم و چهاردهم میلادی، «ارومچی»، «تورفان» و نیز برخی از شهرهای دیگری که در نزدیکی قلمروی قراخانیان قرار داشتند، اسلامی شدند.^(۹)

منطقه سین کیانگ اگرچه از نظر طبیعی به دلیل وجود شن زارها و صحراهای خشکی همچون صحرای گبی و کویر تکامکان، بیشتر یک سرزمین کویری به حساب می‌آید، اما از نظر معادن و ذخایر زیرزمینی، منطقه‌ای بسیار غنی است که بخش عمده معادن نفت و گاز چین در آن واقع شده است. در طول سه دهه اخیر، سین کیانگ سالانه چیزی حدود ۶۰ میلیارد دلار برای کشور چین بازدهی اقتصادی داشته است. ضمن این‌که این منطقه دروازه ترانزیت کالا از چین به آسیای میانه نیز به حساب می‌آید.^(۱۰) چین موقعیت استراتژیکی سبب گشته است که دولت چین همواره داعیه مالکیت این سرزمین را داشته و آن را منتهاالیه مرزهای غربی خود بخواند.

از طرفی اوغورها که همواره با مبانی تعریف شده دولت چین مخالف بوده و آن را رژیم امپریالیستی و سلطه‌جو، که سرزمین‌شان را به زور ضمیمه خود کرده است، می‌دانند، در ادوار مختلف سعی کرده‌اند این منطقه را سرزمینی مستقل به حساب آورده و همواره داعیه استقلال آن را داشته باشند. این امر که خاستگاه اصلی تمام قیام‌های خونین مسلمانان اوغور طی سال‌های ۱۹۹۷، ۱۹۹۹، ۲۰۰۴ و جولای ۲۰۰۹م. به شمار می‌آید، در عین حال موجب

شده است نام منطقه سین کیانگ در لیست مناطق پرچالش و بحران خیز حال حاضر جهان قرار گیرد.

مسلمانان چین و چالش‌های پیش‌رو

زندگی تحت لوای دولت‌های غیراسلامی، مشکلی است که برای اقلیت‌های مسلمان ساکن در دنیای غرب به اندازه کافی ایجاد دردسر کرده است، اما باید گفت در کشوری همانند چین این مشکل همواره دارای شکلی جدی‌تر بوده و مشکلات زیادی را برای مسلمانان این سرزمین آفریده است.^(۱۱) آنچه در طول سالیان دراز بر مسلمانان چین گذشته و آنان را در میان تمام جوامع مهم مسلمان جهان، به یک اقلیت ناشناخته و گمنام تبدیل کرده است، به خوبی بر این ادعا صحه می‌گذارد. مسلمانان چین همواره در سکوتی رقت‌بار، زیر فشارهای گوناگون قرار گرفته و سرکوب شده‌اند.

برخی از صاحب‌نظران ریشه اصطکاکات موجود میان مسلمانان چین و دولتمردان این کشور را تنها در مسائل غیرمذهبی و غیرایدئولوژیک جست‌وجو می‌کنند و معتقدند تعصب، تبعیض و بی‌عدالتی عواملی هستند که مسلمانان چین را بارها و بارها علیه دولت این کشور شورانده‌اند، اما باید یادآور شد که به هیچ‌وجه نمی‌توان مسائل مذهبی و ایدئولوژیک را در این زمینه بی‌تأثیر دانست.

از یاد نبریم که دولت چین یک دولت کمونیستی است و به‌طور کلی تمام کشورهای کمونیستی ضمن معارضة با همه ادیان آسمانی، نسبت به اسلام، سیاست خصمانه به مراتب شدیدتری در پیش می‌گیرند؛ چراکه کمونیسم در کشورهای زیادی توانسته است بر مسیحیت و دیگر ادیان چیره شود، اما تاکنون در هیچ کشوری نتوانسته است بر اسلام چیره گردد.^(۱۲) بنابراین می‌توان گفت، خاستگاه مواردی همچون تعصب، تبعیض و بی‌عدالتی که صاحب‌نظران از آن به‌عنوان عوامل تحریک مسلمانان چین علیه دولت این کشور یاد می‌کنند، همان دشمنی رژیم کمونیستی چین با اسلام و مسلمانان است که بر این اساس، باز همه چیز رنگ‌وبویی مذهبی و

ایدئولوژیک به خود می‌گیرد. ناآرامی‌های ماه جولای سال ۲۰۰۹ میلادی در استان سین کیانگ چین نیز اگرچه به‌ظاهر از یک نزاع قومی میان «هان»های نژادپرست و مسلمانان اوغور، آغاز شد، اما ریشه در اقداماتی داشت که دولت چین طی سال‌های متمادی به‌منظور اسلام‌ستیزی بدان دست‌یازیده است.

انزوای جغرافیایی را باید از جمله چالش‌هایی برشمرد که مسلمانان چینی طی قرون متمادی با آن مواجه بوده‌اند. آنان در طول سده‌ها تنها توانسته‌اند به‌طور پراکنده و گاه‌به‌گاه، با مراکز اصلی نشر معارف دینی مسلمانان در خارج از چین، تماس داشته باشند. پیامد این انزوای جغرافیایی، فقر و ضعف در دانش دینی و معارف اسلامی بوده است. تنها در چند سال اخیر با پایان یافتن انقلاب فرهنگی کمونیستی، مدرسه‌ها مجاز شده‌اند پاسخ‌گوی نیاز فزاینده دانش‌آموزان و رهبران دینی بالقوه باشند و به آهنگها (آخوندها) اجازه تحصیل در خارج مثلاً در پاکستان داده شده است.^(۱۳)

هم‌چنین باید یادآور شد که حکومت مرکزی چین با وعده توسعه اقتصادی، عقاید مذهبی و فعالیت‌های فرهنگی مردمش را به شدت کنترل می‌کند؛ بر همین اساس در اجرای سیاست‌های تبعیض‌آمیز علیه مسلمانان اوغور بسیار فعالانه عمل کرده است؛ به‌گونه‌ای که در فاصله بین سال‌های ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۶ میلادی ۹۳۸ باب مدرسه علوم دینی در منطقه سین کیانگ به صورت تدریجی از فعالیت بازداشته شده‌اند. در سال ۲۰۰۵ نیز ۳۷ دانش‌آموز به جرم آموختن دین اسلام در کلاس‌های آموزشی دستگیر شده و تاکنون دانشجویان زیادی به جرم شرکت در فعالیت‌های دینی، از دانشگاه‌ها اخراج شده‌اند.

مسلمانان چینی هم‌چنین در کشورشان با بحران‌هایی از قبیل استحاله فرهنگ اسلامی، محرومیت‌های شدید اقتصادی، محرومیت از حقوق سیاسی و مدنی، فقدان آزادی‌های مذهبی، تبعیض و بی‌عدالتی، مصادره مساجد و مراکز دینی، عدم اجرای عادلانه قانون اساسی در مورد آنان، رویکرد ناعادلانه دولت در بخش واگذاری پست‌ها

نبود، سرانجام قیامش به وسیله ارتش منچوری سرکوب شد. و اما در حال حاضر مسلمانان ترک تبار اویغور که اغلب شهرنشین بوده و به بازرگانی و پیشه‌وری مشغول هستند، در کشور چین شهروندانی درجه دو محسوب می‌شوند و در شرایط بسیار دشواری روزگار می‌گذرانند. چنین وضعیتی سبب گشته است که اویغورها تاکنون بارها برای استقلال از چین تلاش کنند و دست به شورش‌های گسترده بزنند. دولت چین نیز همواره سعی داشته حرکت‌های استقلال‌طلبانه اویغورها را اقداماتی تروریستی بخواند و با این بهانه به سرکوب گسترده شورش‌های مردمی بپردازد. در چنین اوضاع آشفته‌ای چشم امید مسلمانان اویغور به فعالیت‌های انسان‌دوستانه بانویی مبارز که او را «ربیعیه قدیر» می‌نامند، دوخته شده است.

«هان»‌های منطقه، از ۵ درصد به ۴۰ درصد رسیده است. ظاهراً از سال ۱۹۹۰ میلادی که اویغورها دست به اعتراضاتی گسترده زدند، دولت چین و حزب کمونیست این کشور سعی کردند، به روند مهاجرت‌ها به سین‌کیانگ سرعت بیشتری ببخشند، تدابیر امنیتی شدیدی در آن منطقه به‌کار گرفته و مسائل دینی و مذهبی را نیز در این استان تحت کنترل خود درآورند.^(۱۵)

اویغورهای چین و مادری مبارز به نام «ربیعیه قدیر»

«ئویغورها»، «یغورها»، «آیغورها» و یا به عبارتی صحیح‌تر و درعین‌حال شناخته‌شده‌تر «اویغورها»، یکی از گروه‌های قومی ترک به حساب می‌آیند که در مناطق شمال غرب چین امروزی زندگی می‌کنند. به نوشته سایت دی‌ولت، اویغورها دارای ریشه‌ای مغولی - ترکی هستند و از جمعیتی نزدیک به ده میلیون نفر برخوردارند؛ حدود ۹۰ درصد اویغورها در جمهوری خلق چین و سایر آنها در مناطق مرزی قزاقستان و قرقیزستان زندگی می‌کنند.

اویغورها برای نخستین بار در قرن هفتم میلادی در اطراف رود جیحون سکونت کرده و چندین شهر بنا نهادند. آنها در قرن هشتم میلادی به سرعت قلمرو خود را گسترش دادند و بالاخره موفق شدند اولین امپراتوری بزرگ خود را - که متشکل از دو امپراتوری شرقی و غربی بود - در مغولستان امروزی پایه‌گذاری نمایند. در قرن نهم میلادی پس از جنگ‌های خونین با قرقیزها امپراتوری اویغورها از هم پاشید و بخش عمده اتباع آن به چین مهاجرت کردند. در قرن سیزدهم میلادی پس از محاکمه و اعدام «ایدگوت سالاندی» حاکم بودایی سین‌کیانگ، به جرم دشمنی با دین اسلام، اویغورها به اسلام گرویدند. در قرن هجدهم میلادی نیز این اقلیت قومی تسلیم مانچو شد و امپراتوری چین خاک آنها را ضمیمه خود کرد. در قرن نوزدهم میلادی یک جنگ‌سالار اویغور به نام «یاکوب بگ» کوشید که در ترکستان شرقی امپراتوری تمام اقوام ترک و مغول در چین برخوردار

و مناصب دولتی، و نیز محدودیت‌های علمی آموزشی، مواجه‌اند.

در بخش‌های اقتصادی با این‌که استخراج نفت از منطقه سین‌کیانگ در طول چند سال گذشته دو برابر شده، اما سیاست‌های دولت کمونیستی چین باعث شده است مسلمانان کمترین بهره را از این منابع خدادادی ببرند.

در اثر سیاست‌های ضداسلامی حکومت مرکزی چین، مردم سین‌کیانگ زندگی سختی را به لحاظ اقتصادی می‌گذرانند. سیاست‌های حکومت در این منطقه باعث سیطره اقتصادی چینی‌های «هان» بر مسلمانان و در نتیجه فقر و محرومیت آنان شده است. در حالی که چینی‌های «هان» از بیشترین تسهیلات دولتی برخوردار بوده و از سرمایه‌گذاری‌های بیشتر دولتی بهره می‌برند.

تنگر و انزجار شدید چینی‌های متعصب نژاد هان - که در استان مسلمان‌نشین سین‌کیانگ درست همان نقشی را بازی می‌کنند که یهودیان مهاجر در فلسطین اشغالی - نسبت به مسلمانان موضوع قابل بحث دیگری است که باید بدان اشاره کرد.

هان‌ها بر این باوراند که اویغورها نازپرورده دولت مرکزی چین بوده و برای توجیه ادعای خود موضوع نداشتن محدودیت تعداد فرزندان اویغورها را مطرح می‌کنند؛ از این گذشته آنان حتی اویغورها را بیگانه و غیرچینی به حساب می‌آورند و این همان چالشی است که بارها قضاوت نادرست هان‌ها را به دنبال داشته و به شدت بر شعله اختلاف و درگیری‌های خونین میان آنان و مسلمانان دامن زده است.^(۱۴)

آنچه بیش از همه مسلمانان مظلوم چین را رنج داده و آنها را به قیام و برپایی تجمعات و تظاهرات گسترده وادار نموده است، تلاش‌های مرموز مقامات چینی در برهم زدن موازنه جمعیت در منطقه مسلمان‌نشین «سین‌کیانگ» است.

طی سال‌های اخیر دولت چین با تمام قوا تلاش کرده است چینی‌های «هان» را به سین‌کیانگ مهاجرت دهد، به طوری که از دهه پنجاه قرن بیستم تاکنون، جمعیت

پرچم استقلال‌طلبان اویغور

خانم «ربیعیه قدیر» که اویغورها او را «مادر اویغور» لقب داده‌اند، سال‌ها پیش عضو کنگره ملی جمهوری خلق چین بود. او که در آن هنگام ثروتمندترین زن چینی نیز به حساب می‌آمد، چندی بعد مقام نمایندگی چین در سازمان ملل را تجربه کرد، اما این ارتباط تنگاتنگ خانم قدیر با دولت چین دوام چندانی پیدا نکرد و جای خود را به کشمکش و تیرگی داد. اعتراضات پی‌درپی خانم قدیر نسبت به نقض حقوق انسانی مردم اویغور از سوی دولت کمونیستی چین، به موضع‌گیری سرسختانه دولت‌مردان چینی در برابر او انجامید و سرانجام در ماه آگوست ۱۹۹۹ میلادی، راه زندان را پیش روی او قرار

دولتی چین را که تظاهرکنندگان در جریان تظاهرات با ابزاری همچون چاقو، آجر و چوب به رهگذران و اماکن عمومی حمله ور شده‌اند، دروغ محض دانستند و از تخریب فروشگاه‌ها و اماکن تجاری متعلق به مسلمانان اوغور توسط هان‌ها خبر دادند. مسلمانان مخالف دولت چین هم‌چنین گفتند گروه‌هایی از اکثریت نژادی هان با چماق و قمه در شهر ارومچی به راه افتادند تا در کنار نیروهای پلیس به سرکوب مسلمانان مظلوم و بی‌دفاع اوغور بپردازند.

گفتنی است در جریان این حوادث دولت مرکزی چین هم‌چنین با ایجاد اختلال در روند فعالیت رسانه‌های خبری ارتباطی این کشور، دسترسی به تلفن همراه و اینترنت را کاملاً مختل کرد. در همین راستا سایت‌های مهمی همچون توییتر و نیز برخی از وبلاگ‌ها فیلتر شدند. از دیگر سو مردم سین‌کیانگ نیز با ضبط تصاویری از تجمعات خونین خیابانی و ارسال آن به روی وب‌سایت‌ها، تلاش کردند تحریم رسانه‌ای دولت چین و سانسور خبری سین‌هوا را خنثی نمایند.

مقامات دولتی چین روز جمعه دهم جولای نیز به منظور جلوگیری از اقامه نماز جمعه، دستور پلمب کلیه مساجد شهر ارومچی را صادر کردند. به دنبال صدور این حکم، نیروهای ضدشورش با خودروهایی زرهی تمام خیابان‌های منتهی به مساجد این شهر را مسدود کردند. درب‌های ورودی مسجد «عیدگاه» در شهر کاشغر که بزرگ‌ترین مسجد استان سین‌کیانگ به حساب می‌آید، نیز به روی نمازگزاران این شهر بسته ماند.^(۱۹)

مسجد عیدگاه در کاشغر



سرکوب گسترده تظاهرکنندگان پرداخت و عده زیادی از آنان را بازداشت کرد. ناآرامی‌ها در روزهای بعد نیز ادامه یافت و آن‌قدر عمق پیدا کرد که یکی از مقامات رسمی دولت چین از آن به عنوان «مرگ‌بارترین شورش از زمان به قدرت رسیدن دولت جدید چین از سال ۱۹۴۹ میلادی تا به حال» یاد کرد.

خبرگزاری شین‌هواي چین، تعداد کشته‌شدگان در این حوادث را ۱۸۰ نفر و تعداد مجروحان را ۸۰ نفر اعلام کرد. خبرگزاری آسوشیتدپرس نیز به نقل از مقامات چینی اعلام کرد که در این حوادث ۱۸۴ تن کشته و بیش از ۱۶۰۰ تن زخمی شده‌اند. این در حالی بود که مردم محلی تعداد کشته‌ها را بیش از ۸۰۰ نفر و تعداد مجروحان را بیش از ۲۰۰۰ نفر اعلام می‌کردند.

خبرگزاری دولتی چین هم‌چنین روز دوشنبه ششم جولای، با بیان این‌که درگیری‌های روز یکشنبه در شهر ارومچی، در پی انتشار شایعاتی! مبنی بر حمله چینی‌ها به مهاجران اوغور در جنوب چین، آغاز شده است، نوشت: در جریان این خشونت‌ها، تظاهرکنندگان اوغور به رهگذران حمله کردند و چندین خودرو را به آتش کشیدند.

مقامات دولتی چین هم‌چنین مدعی شدند تظاهرکنندگان با سلاح سرد و باتوم به فروشگاه‌ها و اماکن عمومی هجوم برده و با استفاده از چاقو، آجر و چوب با مأموران امنیتی درگیر شده‌اند. آنان هم‌چنین مسلمانان محلی اوغور را مسئول خشونت‌ها دانستند و با بیان این‌که مسببان این ناآرامی‌ها در تلاش هستند که بحران‌های بیشتری را در شهرهای دیگر استان سین‌کیانگ سازمان دهند، بیشتر کشته‌شدگان در درگیری‌های اخیر را از اکثریت قومی هان دانستند.

در واکنش به این اظهارات، مسلمانان مخالف دولت چین در استان سین‌کیانگ، فاش کردند که مأموران پلیس به سوی کسانی که در تظاهرات مسالمت‌آمیز شرکت داشتند، آتش گشوده و آنان را به خاک و خون کشیدند. آنان هم‌چنین این ادعای مقامات

داد. قدیر به هشت سال زندان محکوم شد و دو سال از دوران محکومیت خود را در انفرادی گذراند، اما فشار رئیس‌جمهور وقت امریکا، جرج دبلیو بوش، و تمرکز سازمان‌های حقوق بشر بر این مسئله سبب شد تا وی پیش از پایان دوران محکومیتش آزاد شود. او در ماه مارس ۲۰۰۵ میلادی از زندان آزاد شد و بلافاصله پکن را به مقصد ایالات‌متحده آمریکا ترک کرد. از آن زمان تا به حال، قدیر در استان ویرجینیای آمریکا ساکن بوده و به فعالیت‌های انسان‌دوستانه خود ادامه می‌دهد.

او هم‌اکنون در مقام ریاست «کنگره جهانی اوغور» می‌کوشد تا فریاد مسلمانان اوغور را به گوش جهانیان برساند. «ربیعہ قدیر» تأکید می‌کند که فعالیت‌هایش انسان‌دوستانه بوده و او به هیچ‌وجه از سوی دولتی بیگانه حمایت نمی‌شود.^(۱۶)

ناآرامی‌های اخیر و واکنش

مقامات دولتی چین در برابر آن

همه چیز از یک نزاع خونین در واپسین روزهای ماه ژوئن ۲۰۰۹ میلادی آغاز شد. در پی درگیری در کارخانه‌ای، دو شهروند مسلمان اوغور توسط عده‌ای از هان‌های نژادپرست کشته شدند.^(۱۷) به دنبال این حادثه هزاران نفر از مسلمانان شهر ارومچی، روز یکشنبه پنجم جولای ۲۰۰۹ (۱۴ تیر ۱۳۸۸) در اعتراض به سهل‌انگاری دولت چین در رسیدگی به موضوع قتل دو شهروند اوغور به دست هان‌های نژادپرست، دست به تظاهرات گسترده‌ای در خیابان‌های این شهر زدند. در پی این تظاهرات مسالمت‌آمیز، هجوم چینی‌های نژاد هان به تظاهرکنندگان و نیز اماکن تجاری و حتی مساجد آنان، ناآرامی‌های شهر ارومچی را وارد فاز جدیدی کرد.^(۱۸) دامنه درگیری‌ها رفته‌رفته توسعه یافت و هان‌های نژادپرست که از حمایت نیروهای امنیتی نیز برخوردار بودند، به حملات خود علیه مسلمانان چین ادامه دادند. ناآرامی‌ها آن‌چنان ادامه پیدا کرد که به شهرهای دیگر منطقه نیز کشیده شد. پلیس چین در واکنش به اتفاقات صورت گرفته، با اعزام واحدهای تقویتی به مناطق موردنظر، به

باید از فشارهای بین‌المللی به‌خصوص از سوی کشورهای اسلامی، به‌عنوان تنها سلاح کارآمد در دفاع از مسلمانان مظلوم این سرزمین یاد کرد.

بنابراین انتظار می‌رود سران کشورهای اسلامی ضمن درک این حقیقت، حفظ روابط دیپلماتیک با دولت کمونیستی چین را بر حمایت خود از مسلمانان مظلوم این کشور ترجیح ندهند و وابستگی‌های سیاسی اقتصادی، آنان را به اتخاذ سیاست سکوت و انفعال در برابر چنین جنایاتی وادارد. ♦

پیروشنها:

- ۱- جعفری، عباس؛ گیتاشناسی نوین کشورها؛ ص ۲۲۳ - ۲۲۵، چاپ اول، تهران: مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی، ۱۳۸۲.
- ۲- ثروت، منصور؛ کشور وسط دنیا (رهاورد سفرچین)؛ ص ۲۳، چاپ اول، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۰.
- ۳- بنیاد دایرة‌المعارف اسلامی؛ دانشنامه جهان اسلام؛ ج ۱۲، ص ۲۲۲، چاپ اول، تهران: مؤسسه فرهنگی هنری کتاب مرجع، ۱۳۸۷.
- ۴- ایزرائیلی، رافائل؛ مسلمانان چین؛ رویارویی دو فرهنگ؛ حسن تقی‌زاده، ص ۱۲۵، چاپ اول، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸.
- ۵- بنیاد دایرة‌المعارف اسلامی؛ دانشنامه جهان اسلام؛ ج ۱۲، ص ۲۳۲.
- ۶- فنگ جین یوان؛ فرهنگ اسلامی و ایرانی در چین؛ محمدجواد امیدوارنیا، ص ۷، چاپ اول، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.
- ۷- همان؛ ص ۷.
- ۸- همان؛ صص ۷، ۱۷، ۱۸، ۱۹.
- ۹- همان؛ ص ۲۵.
- ۱۰- سایت خبری تحلیلی «تابناک»، ۱۹ تیر ۱۳۸۸.
- ۱۱- ایزرائیلی، رافائل؛ مسلمانان چین، رویارویی دو فرهنگ؛ ص ۱۳.
- ۱۲- مونس، حسین؛ اطلس تاریخ اسلام؛ ترجمه دکتر آذرتاش آذرنوش؛ ص ۵۶۳، چاپ دوم، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۲.
- ۱۳- بنیاد دایرة‌المعارف اسلامی؛ دانشنامه جهان اسلام؛ ج ۱۲، ص ۲۳۲.
- ۱۴- روزنامه اطلاعات، شماره ۲۴۵۲۲، چهارشنبه ۳۱ تیر ۱۳۸۸.
- ۱۵- روزنامه اعتمادملی، شماره ۹۶۷، دوشنبه، ۲۲ تیر ۸۸.
- ۱۶- نشریه بگاہ حوزه، شماره ۲۶۶، شنبه ۱۶ آبان ۱۳۸۸.
- ۱۷- خبر آنلاین، ۲۲ تیر ۱۳۸۸.
- ۱۸- همان.
- ۱۹- روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۸۶۵۹، ۲۱ تیر ۱۳۸۸.
- ۲۰- همان.

منفی بر روابط دو کشور داشته باشد. وی در گفت‌وگو با پایگاه اینترنتی «ملیت» تأکید کرد که چگونگی برخورد ترکیه با این قضیه را با نگرانی دنبال می‌کنیم. و اما در شهر برلین آلمان نیز مسلمانان با در دست گرفتن پرچم اویغورها، در مقابل سفارت چین تجمع کردند. صدها نفر از اویغورهای ساکن کانبرا در استرالیا نیز از هم‌وطنان خود اعلام حمایت کردند. در هلند نیز ده‌ها تن از اویغورها با حمله به سفارت چین در لاهه، به سمت این سفارت‌خانه سنگ پرتاب نموده و بدین ترتیب اعتراض خود را نسبت به سرکوب مسلمانان سین‌کیانگ اعلام داشتند.

سازمان کنفرانس اسلامی نیز آنچه را که «نابرابری قدرت» در سین‌کیانگ توصیف کرده بود، محکوم نموده و از دولت چین خواست تا تحقیقاتی را برای شناسایی عاملان این خشونت‌ها انجام دهد. هم‌چنین دبیرکل سازمان اخوان‌المسلمین اردن با محکوم کردن کشتارهای خونین مسلمانان سین‌کیانگ، از دولت‌های عربی و اسلامی خواست علیه دولت چین اعمال فشار کنند. همام سعید اظهار امیدواری کرد دولت چین از سیاست ایجاد مزاحمت برای مسلمانان در این کشور دست برداشته و به حقوق آنان احترام بگذارد.^(۲۰)

در این میان دستگاه دیپلماسی کشورمان ایران در برابر این حوادث آن‌گونه که انتظار می‌رفت، واکنش نشان نداد و در میان بهت همگان، سیاست متفاوتی را در پیش گرفت.

سخن پایانی

بدون تردید مسلمانان چین در حال حاضر از جمله اقلیت‌های مسلمانی به‌شمار می‌روند که تحت شدیدترین فشارها از سوی دولت حاکم بر سرزمین مادری‌شان قرار دارند. همان‌گونه که در ابتدای این نوشتار ذکر شد، دولت چین یک دولت کمونیستی و ضداسلامی است و بدیهی است که هیچ‌گاه با جامعه مسلمانان این کشور به تفاهم نخواهد رسید و فشارها بر مسلمانان چینی هم‌چنان روند رو به رشدی خواهد داشت. در چنین وضعیتی

واکنش‌های جهانی در برابر

اقدامات سرکوب‌گرانه دولت چین

با وجود این‌که سران بسیاری از کشورهای اسلامی هرگونه واکنش در برابر کشتار وحشیانه مسلمانان سین‌کیانگ توسط دولت کمونیستی چین را عاملی بر تیرگی روابط نزدیک خود با این کشور تشخیص داده و بر این اساس ترجیح دادند در برابر این جنایات از سیاست «سکوت و انفعال» کار بگیرند، میلیون‌ها مسلمان در کشورهای مختلف جهان با به آتش کشیدن پرچم کشور چین، تنفر و انزجار خود را از مقامات رژیم کمونیستی چین اعلام داشتند.

در ترکیه با توجه به اقامت بیش از ۳۰۰ هزار مسلمان اویغور در این کشور و حساسیت جامعه مسلمان ترکیه نسبت به وضعیت جوامع مسلمان در سطح جهان، این واکنش‌ها روند به‌مراتب شدیدتری به‌خود گرفت. بر این اساس روز جمعه دهم جولای ۲۰۰۹ هزاران نفر از مسلمانان خشمگین در شهرهای مختلف ترکیه پس از اقامه نماز جمعه، ضمن برگزاری نماز میت غیابی، علیه دولت پکن دست به تظاهرات گسترده‌ای زده و به‌طور نمادین با آتش‌زدن کالا‌های چینی، مردم را به تحریم این کالاها دعوت کردند.

رجب طیب اردوغان، نخست‌وزیر ترکیه، نیز همچون همیشه با پرهیز از اتخاذ هرگونه سیاست محافظه‌کارانه، سردمداران رژیم کمونیستی چین را به باد انتقاد گرفته و با تأکید بر این‌که عاملان جنایات سین‌کیانگ باید محاکمه شوند، از دولت‌مردان چین خواست هر چه سریع‌تر به نسل‌کشی خود پایان دهند. اردوغان هم‌چنین تصریح کرد کشورش با صدور روادید برای خانم ربیعه قدیر، رهبر تبعیدی ترک‌های اویغور، به‌زودی پذیرای وی خواهد بود. این موضع‌گیری‌ها البته چندان به مذاق چینی‌ها خوش نیامد و کاردار سفارت چین در آنکارا را به واکنش واداشت. شیائو ژونزهنگ، کاردار سفارت چین در آنکارا، در واکنش به اظهارات رجب طیب اردوغان، هشدار داد که سفر ربیعه قدیر به ترکیه می‌تواند تأثیری بسیار